



حکایت سه هزار سال نشیندن!

(بازشناسی کتمان بشارات عهدین به نبی اکرم ﷺ توسط یهود)

حجة الاسلام مهدی قاسمی

عضو حلقه علمی افق/گروه آموزشی فقه و مبانی اجتهاد

ای موسی!

یهوه، خدایت،

نبی‌ای را از میان

تو از برادرانت مثل من

برای تو مبعوث خواهد کرد.

او را بشنوید! (سفر تثنیه: ۱۵/۱۸)

چکیده

واکنش یهود از سال ۱۲۰۰ قبل از میلاد تا ظهور نبی اکرم ﷺ (۵۷۰ م) و پس از آن تا امروز (به مدت سه هزار و دویست و هفت سال) نسبت به ظهور پیامبر اسلام ﷺ از فرصت‌هایی است که حقیقتاً قابل واکاوی از جهات مختلف است.

مقاله "حکایت سه هزار سال، نشیندن!" این فرصت را در مقولاتی؛ چون اشارات (اشارات آیات قرآنی به بشارات تورات و انجیل به نبی اکرم ﷺ)، بشارات (بشارات کتاب مقدس به نبی اکرم ﷺ) و ریشه‌های کتمان نبوت پیامبر اکرم ﷺ (اشاره به مباحثی؛ چون: انتزاع نبوت از خاندان بنی اسرائیل،

تبارشناسی و روان‌کاوی یهود، ویژه‌خواهی ایشان و مسأله تغییر قبله)
پی‌جویی کرده است.

کلید واژه‌ها: پیامبر اسلام ﷺ، تورات، یهود، بنی اسرائیل، عهد عتیق، آیات
بشارات به نبی اکرم ﷺ، تغییر قبله مسلمان، تاریخ یهود، اناجیل.

مقدمه

آیات متعددی در قرآن کریم اشاره به بشارت به نبی اکرم ﷺ دارند. آیاتی مانند:
بقره/۸۹ و ۱۴۶، انعام/۲۰ و ۱۴، صف/۱۶ و اعراف/۱۵۷. در تفسیر این آیات، مفسران
و روشنگران دینی هر یک به تفصیل بحث و گفتگو کرده‌اند. این تفسیرها عمدتاً
ناظر به مباحث اساسی‌ای هستند که در جای خود باید مورد ارزیابی قرار گیرند. ما
در اینجا به عنوان نمونه به برخی از آنها و منابع‌شان اشاره می‌کنیم:

آیا تورات نوشته موسی (ع) است؟^۱ آیا کتابی به نام انجیل بر عیسی (ع) نازل شده
است؟^۲ در کجای تورات و انجیل از پیامبر اسلام ﷺ سخن رفته است؟^۳ آیا واژه
فارقلیط / بارکلیت در انجیل یوحنا، منطبق با واژه احمد است؟^۴ و اینکه آیا صرف
علم و آگاهی داشتن یهود و مسیحیت، دلیل بر کتابت و وجود الفاظ بشارت در
کتاب مقدس است؟^۵

اما از میان آیات بشارات، آیه ۱۵۷/ اعراف دارای وضعیتی متفاوت با سایرین است.
دگر گونه بودن آن هم در این است که وصف پیامبر ﷺ را در همان تورات و انجیل
موجود در عصر ظهور پیامبر (۵۷۰م) بازگو کرده است. آیه چنین است: «...»

۱. اسپینوزا، باروخ؛ مصنف واقعی اسفار خیمه، ترجمه علیرضا آل بویه.

۲. میشل، توماس؛ کلام مسیحی، ص ۲۸-۲۶؛ میلر، و.م؛ تاریخ کلیسای قدیم، ص ۶۶؛ آیت الله
معرفت انجیل را به معنای بشارت می‌داند و نزول چنین کتابی را انکار می‌نماید. نگر: نشریه هفت
آسمان، ش ۱۳-۱۲.

۳. حجازی السقا، احمد؛ البشارة بنبی الاسلام فی التوراة و الانجیل (۲جلد)؛ احمد، ابراهیم خلیل؛
محمد فی التوراة و الانجیل و القرآن؛ داوود، عبدالاحد؛ محمد کما ورد فی کتاب اليهود و النصری
(ترجمه فضل الله نیک بین: (محمد در تورات و انجیل)؛ محمد رسول الله فی کتابات القدیس یوحنا؛
همدانی، محمد باقر؛ بشارات؛ صادقی، محمد؛ بشارات عهدین.

۴. سبحانی، جعفر؛ احمد موعود انجیل.

۵. طباطبائی، محمد حسین؛ المیزان ۱۹/۲۵۳.





(بخشایشم را) به زودی برای آنها که پرهیزکارند و زکات می‌دهند و کسانی که به آیات ما ایمان دارند، مقرر می‌دارم (۱۵۶) همان کسانی که از فرستادهٔ پیام آور درس ناخوانده پیروی می‌کنند، همان که (نام) او را نزد خویش در تورات و انجیل نوشته می‌یابند...». قسمت اخیر این آیه، نقطهٔ اساسی در ادعای ما و نشانگر انطباق صفات پیامبر ﷺ با کتاب مقدس موجود در سال ۵۷۰ م است. طبق اسناد موجود،^۱ نخستین تورات و انجیل مربوط به چند قرن قبل از حیات پیامبر ﷺ، منطبق با کتب مقدس امروزی است و از این می‌توان نتیجه گرفت کتاب مقدس موجود در زمان پیامبر ﷺ همین کتاب مقدس موجود است و نمی‌توان ادعا کرد که این کتاب، بعد از اسلام از نظر لفظی تحریف و تغییر پذیرفته است.

از میان کتب عهد عتیق نیز آنجا که آشکارا به آمدن پیامبری با صفات برجسته اشاره دارد، سفر تثنیه از کتاب تورات است.

دو آیه از سفر تثنیه چنین می‌گویند:

– یهوه، خدایت، نبی‌ای از میان تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد کرد، او را بشنوید! (تثنیه: ۱۵/۱۸)

– نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دامنش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم، به ایشان خواهد گفت. و هر کس که سخنان مرا – که او به اسم من می‌گوید – نشنود، من از او مطالبه خواهم کرد.

در این آیات به دو صفت برجسته اشاره شده که اگر مصداق آن را نبی اکرم ﷺ ندانیم، هرگز مصداق پیدا نکرده است. اول اینکه: نبی‌ای چون موسی (ع) است؛ پس تشریع آورنده است و هیچ یک از انبیای بعد وی چنین ادعایی نداشته‌اند. حضرت عیسی (ع) نیز به گفتهٔ اناجیل، همان شریعت موسی را اجرا می‌کرده است: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم، نیامده‌ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم» (متی: ۱۹/۱۷)

^۱. میلر، و.م؛ تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ترجمهٔ علی نخستین؛ ص ۷۷؛ ادلر، جان؛ باستان‌شناسی کتاب مقدس؛ ترجمهٔ سهیل آذری، ص ۸۱۶.

به همین منظور بزرگان و احبار یهود پیوسته، مترصد و در پی آن نبی بوده‌اند. یکی از این جستجوها داستان حضرت یحیی است که اندکی قبل از عیسی مبعوث شده است.

انجیل یوحنا (۱۹/۱-۲۱) می‌گوید: «و این است شهادت یحیی در وقتی که یهودیان از اورشلیم کاهنان و لاویان را فرستادند تا از او سؤال کنند که تو کیستی؟ که معترف شد و انکار ننمود؛ بلکه اقرار کرد که مسیح نیستی. آنگاه از او سؤال کردند پس چه، آیا تو الیاس هستی؟ گفت: نیستی. آیا تو "آن نبی" هستی؟ جواب داد که نه... پس از او سؤال کردند که اگر تو مسیح و الیاس و آن نبی نیستی، پس برای چه تعمید می‌دهی؟...»

مفسرین کتاب مقدس "آن نبی" را منطبق با مفاد آیات سفر تثئیه ۱۵/۱۸ و ۱۸ می‌دانند^۱ و بر آنند که با توجه به داستان یحیی و تفکیک پرسش سه گانه لاویان، آن نبی غیر از عیسی مسیح بوده است. از طرف دیگر، اگر خطایی در نحوه سؤالات لاویان و کاهنان می‌بود حتماً می‌بایست از طرف یحیی - برگزیده خدا - اصلاح می‌شد.

صفت دوم اشاره شده در تورات (تثنیه ۱۵/۱۸ و ۱۸) عبارت «از میان برادرانت» است، و مشخص است که برادران بنی اسرائیل، بنی اسماعیل‌اند و این قید به وضوح نشانگر این است که آن نبی از بنی اسرائیل نیست.

با توجه به اینکه یهودیان عصر پیامبر هرگز در تطبیق "آن نبی" با رسول اکرم ﷺ به منازعه برنخواستند و گرنه شاهد تاریخی به دست ما می‌رسید، اینک این سؤال مطرح است که ایشان چرا حقیقت را کتمان کردند و کلام آن نبی را نشینده و از مطالبه یهوه نهراسیدند؟

خداوند در قرآن کریم به رسول اکرم ﷺ چنین می‌گوید: «یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خشنود نخواهند شد تا اینکه از آیین آنها پیروی کنی.» (بقره/۱۲۰) به راستی دلیل یا دلایل اصلی در این نحوه واکنش و عکس العمل برخی پیروان عهدین

^۱. جماعة من اللاهوتیین؛ تفسیر الکتاب المقدس ۴۵۳/۱ و ۲۳۵/۵؛ جمع من افاضل اللاهوتیین؛ السنن القویم فی تفسیر اسفار العهد القدیم ۴۲۵/۳؛ بارکلی، ولیم؛ تفسیر العهد الجدید، شرح بشارة یوحنا، ص ۱۰۹.





نسبت به پیامبر اسلام و پیام وی در چیست؟ آیا چیزی جز اصرار بر نشنیدن! و سکوت تاریخی‌شان و کتمان حقیقت؟

به نظر می‌رسد عوامل متعددی در تعصب، لجاجت و اصرار آنها نقش داشته است. این نوشته، واکاوی برخی از آن عوامل است؛ مانند: انتزاع نبوت از بنی اسرائیل، تبارشناسی و روان‌کاوی یهود، ویژه‌خواهی یهود و مسأله تغییر قبله.

۱. انتزاع نبوت از بنی اسرائیل

در تورات می‌خوانیم: پس سارای به ابرام گفت: حال اینک خداوند مرا از زائیدن بازداشت پس بیا به جاریه‌ام (هاجر) درآی بلکه از او پسری بیابم. پس هاجر حامله شد و بدین ترتیب، ساره در نظرش (ابرام) خوار نمود تا آنکه به ابرام گفت: ظلمی که به من شده است به تو برگردد! و خداوند میان من و تو حکم کند! ابرام به سارای گفت: اینک جاریه‌ات در دست توست پس هر چه در نظرت خوش آید به او بنمای. پس سارای او را جفا نمود تا او از حضورش فرار نمود. (پیدایش: ۷/۱۶-۴)

۷ ساره نه تنها به هاجر حسادت شدید می‌ورزد؛ بلکه به فرزند هاجر (اسماعیل) نیز بدبین و برترجو بود: «این کنیزک و پسر او را اخراج نما! زیرا پسر کنیزک با پسر من اسحاق، وارث نخواهد شد. (پیدایش: ۱۰/۲۱)

تصور آن سخت است؛ اما رگه‌ای از بزرگ‌بینی و فزون‌خواهی آل یهود، ریشه در همین اشتقاق اولاد به حرّه (نسل اسحاق از ساره) و جاریه (نسل اسماعیل از هاجر) دارد. رد پای نصاری هم در این فزون‌خواهی دیدنی است آنجا که پولس رسول به غلاطیان می‌گوید: زیرا مکتوب است ابراهیم را دو پسر بود: یکی از کنیز و دیگری از آزاد. لیکن پسر کنیز به حسب جسم تولد یافت و پسر آزاد بر حسب وعده... لیکن ما ای برادران! چون اسحاق فرزندان وعده می‌باشیم بلکه آنکه بر حسب جسم تولد یافت بر وی که بر حسب روح بود جفا می‌کرد و همچنین الان نیز هست. لیکن کتاب چه می‌گوید؟ کتاب می‌گوید: کنیز و پسر او را بیرون کن! زیرا پسر کنیز با پسر آزاد میراث نخواهد یافت. خلاصه، ای برادران! فرزندان کنیز نیستیم؛ بلکه از زن آزاد هستیم. (رساله پولس رسول به غلاطیان: ۴/ ۳۱-۲۲)

۲. تبارشناسی و روان کاوی یهود

در سال‌های عصر حضور موسی و دُرست در زمانی که در دامان دشمن خویش پا می‌گرفت، قوم یهود تحت ستم و سلطهٔ مصریان و فراعنه روزگار می‌گذراند. حوادثی که در تاریخ یهود ثبت شده و خاطرات قوم پیرامون جوانب مختلف زندگی مشایخ^۱ یعنی اجداد قدیم آنها را بازگو می‌کند، به هیچ وجه باغ و بستانی را نشان نمی‌دهند. هر یک از آنان به ترک سرزمین پدری و آوارگی در کشورهای بیگانه مجبور و محکوم شده و مورد بدگمانی قرار می‌گیرند. فراعنهٔ قدیم فلسطینیان، اشراف و امرا برایشان خط و نشان می‌کشند. پس از چندی دوران بندگی و بیگاری وحشتناک‌شان برای مصریان فرا می‌رسد که درهم شکنندهٔ روحیهٔ آنان است.^۲

روان کاوی اجتماعی قومی که از دالانی چنین تنگ و تاریک گذر کرده است، دیده را سمت انسان‌هایی روان می‌کند که بسیار "رنج" کشیده‌اند، ترسو بار آمده‌اند، فرصت آموزش برخورد ندیده‌اند، درس ناخوانده‌اند و از هر هنر و صنعتی به دور مانده‌اند.

یهود با چنین سابقه‌ای اگر روزگاری نیز به قدرت نزدیک شود- که قرآن هم مؤید آن است: و فضلنهم علی العالمین (۴۷/۲)- باز هم به روحيات گذشته‌اش باز می‌گردد؛ چرا که بر آمده از دوران طولانی سرکوب و تحقیر است.

از مهم‌ترین خصوصیات قوم بنی اسرائیل، "همیشه نادانی" و لجاجت بر آمده از "جهل" اش است. قرآن به درستی به نگاه غیر معقول ایشان در پیشنهاد رؤیت خدا اشاره می‌کند:

«و ای موسی! برای ما خدایی درست کن چنانکه آنان (بت پرست‌ها) خدایی دارند.» و موسی در جواب شان، چونان روان کاوی بزرگ می‌گوید: به راستی شما مردمی هستید که می‌خواهید همیشه نادان بمانید!» (اعراف/۱۳۸)

بهانه‌جویی بی‌دلیل آنها در داستان ذبح بقره (۷۳/۲-۶۷) که در سفر تثنیه ۲۱ نیز آمده، گواهی است بر جهالت و به تعبیر قرآن، قساوت و سنگ‌دلی‌شان: (بقره/۷۴)

^۱. ناس، جان بایر؛ تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۴۸۵.

^۲. کرینستون، جولیس؛ انتظار مسیحا در آیین یهود؛ ترجمه حسین توفیقی، ص ۱۸.





شواهد کافی مبنی بر آگاهی آنها به بشارات کتاب مقدس و مصداق آن در وجود نبی اکرم ﷺ وجود دارد که به برخی از آنها اشاره شد. یکی دیگر از این شواهد و البته به استناد قرآن در آیه ۷۶ سوره بقره یاد شده که روان بر آمده از مرض و نادانی یهود را آشکار می‌سازد:

«و چون مؤمنان را می‌بینند می‌گویند: ما ایمان آوردیم و چون با یکدیگر خلوت می‌کنند می‌گویند چرا ایشان را به اسراری (بشارات به آن نبی) که مایه پیروزی آنان علیه شماس است آگاه می‌کنید تا روز قیامت نزد پروردگارشان علیه شما احتجاج کنند.» یهود عصر ظهور پیامبر تصور می‌کردند که اگر آن بشارات را کسی بازگو نکند، خدا بر آن بشارات علمی ندارد! پس روز قیامت بازخواستی نخواهد کرد!

در روان کاوی اجتماعی، پنهان نمودن حقیقت برای حفظ منافع گروهی، و تبختر بر داشته‌های دروغین جاهلی، سراسر کجروی و نابهنجاری شمرده می‌شود که متأسفانه یهود مبتلا به آن بود. این بیماری (کتمان و پنهان‌کاری) درمانی ندارد؛ اما در مورد یهود، لعنت خدا را در پی دشت:

«خدا و لعنت‌کنندگان کسانی را لعنت می‌کنند که برهان‌ها و رهنمودی را که فروفرستادیم، پس از آنکه در کتاب (تورات) برای مردم روشن کردیم، پنهان می‌دارند.» (بقره/۱۵۹)

داستان هجرت برخی از بنی‌اسرائیل به مدینه در جستجوی آن نبی، به طور مفصل در تفسیر عیاشی ۴۹/۱، ح ۶۹ ذیل آیه ۸۹/۲ نقل شده است؛ اما نکته جالب توجه در برخورد بیمار گونه مهاجران بنی‌اسرائیل با تازه مسلمانان - که تا دیروز از کفار قریش بودند - است. در تاریخ آمده است که: معاذ بن جبل و بشر بن ابی البراء و... به یهودیان مهاجر گفتند: از خدا بترسید و ایمان بیاورید! مگر این شما نبودید که علیه ما به محمد، خط و نشان می‌کشیدید؟ با اینکه ما آن روز مشرک بودیم و شما خبر می‌آوردید که به زودی محمد مبعوث خواهد شد و صفات او را می‌گفتید؛ پس چرا اکنون که مبعوث شده به وی کفر می‌ورزید؟^۱

^۱. سیوطی، جلال الدین؛ الدر المنثور ۸۸/۱.

از دیگر نشانه‌های نادانی یهود، دشمنی‌شان با جبرئیل بود که سبب نزول آیه ۹۷ سوره بقره شد. جماعتی از یهود فدک در پی اطلاعاتی که درباره پیامبر آخر الزمان داشتند، گرد رسول آمده و پرسش آغاز می‌کنند. به سؤال آخر که می‌رسند، می‌گویند اگر پیامبر درست جواب دهد آنان جملگی مسلمان خواهند شد: از میان فرشتگان کدام بر تو وحی نازل می‌کند؟ پیامبر می‌فرماید: جبرئیل. آنها می‌گویند: او دشمن ماست و سبب نزول جنگ و خونریزی؛ اما میکائیل خوب است که دفع گرفتاری می‌کند و سبب نزول خوشی است. اگر فرشته‌ات میکائیل می‌بود به دین تو دل می‌سپردیم!^۱

۳. ویژه خواهی یهود

آل یهود بر آنند که قوم برتر و برگزیده خدا هستند و شأن و جایگاه والاتری بر سایر امت‌ها دارند.^۲ گرچه خداوند آن قوم را در قطعه‌ای از روزگاران بر جهانیان برتری بخشید (بقره/۴۷)؛ اما همان بخشنده فضیلت، امت عصر ظهور پیامبر را امت اسلامی‌ای خواند که اینک از انحراف به چپ و راست به دور است تا سرنوشت اسلام، چونان یهود دچار تبختر و فزون خواهی نشود. بنابر این خداوند، سیر امت یهود و نصارا را آیین حنیف ابراهیم می‌شمرد و نه یهودی و مسیحی بودن. (بقره/۱۳۵)

انحصار طلبی آل یهود در نجات آخرت نیز یکی دیگر از ادعاهای ایشان است و بر آنند که غیرشان اهل نجات نیستند! خداوند به درستی به میل باطل‌شان اشاره می‌کند که اگر چنین است پس آرزوی مرگ کنید (بقره/۹۴) تا زودتر به آرزوی خام‌تان برسید. اما داستان چیز دیگری است:

«و آنان (یهود) را به زندگی، آزمندترین مردم و آزمندتر از مشرکان خواهی یافت. هر یک از آنها دوست دارد، هزار سال او را سالمندی دهند با اینکه این سالمندی هم، او را از عذاب دور نمی‌کند. (بقره/۹۶)

^۱. همان.

^۲. ا. هیوم، رابرت؛ ادیان زنده جهان، ترجمه دکتر عبد الرحیم گواهی، ص ۲۶۶.





در جایی دیگر آنها ادعا می‌کنند که تنها "دوستان خدا" هستند (جمعه ۶) و پاسخ خدا به ایشان همان (بقره ۹۶) است.

از دیگر ویژه‌خواهی ایشان، انحصار طلبی در "ورود به بهشت" و "اهل کتاب" بودن است. در بقره ۱۱۱ آمده که: «و گفتند هرگز کسی جز یهود و نصاری به بهشت در نمی‌آید. در بقره ۱۵۰ نیز آمده که: کافران از اهل کتاب و مشرکین خوش ندارند که از پروردگارتان خیری به شما فرستاده شود.» علامه طباطبائی می‌گوید: «بنی اسرائیل، خود اهل کتاب بودند و دوست نمی‌داشتند کتابی بر مسلمانان نازل شود؛ چون نزول آن باعث می‌شود دیگر تنها یهودیان اهل کتاب نباشند و این اختصاص از بین برود.»^۱

خداوند به درستی، ویژه‌خواهی ایشان را به سبب کفر و ناسپاسی‌شان بر می‌شمرد: «خود را به بد چیزی فروختند که به آنچه خدا فرو فرستاده از سرِ افزونجویی (ستم) کفر می‌ورزند. (بقره ۹۰)

۴. تغییر قبله

تغییر قبلهٔ مسلمین از بیت المقدس به سوی کعبه، از بزرگترین تحولات تشریعی عصر نبی اکرم ﷺ بود که باعث مخالفت‌های گستردهٔ یهودیان شد، تا آنجا که حتی موجب شگفتی تازه مسلمانان هم شد. خدا از این برخورد نامناسب یهود به "سفاهت" و "بی‌خردی"شان یاد می‌کند. (بقره ۱۴۴)

فرمان خدا مبنی بر تغییر قبله، یک آزمایش الهی بود تا در سایه‌اش آنانکه امر خدا را در تبعیت از آن نبی، نشنیدند (اشاره به مضمون تثنیه ۱۸/۱۹ و ۱۸) و پیروی دین اسلام نگشتند، اینجا نیز نیت‌شان در پیشگاه تاریخ آشکار شود:

«... و قبله‌ای که بر سوی آن بودی بر نگردانیم؛ مگر بدین روی که معلوم داریم چه کسی از پیامبر پیروی می‌کند و چه کسی واپس می‌گراید. (بقره ۱۴۳)

^۱ طباطبائی، محمد حسین؛ المیزان ۳۷۴/۱.

نتیجه

مطالعات پیرامون زمینه های نشنیدن پیام آن نبی اکرم ﷺ توسط یهود، به یقین سرچشمه های دیگری نیز دارد که پرداخت به آن، مجال فزون تری را می طلبد. این مختصر واکاوی در سبقه و صبغه تاریخ یهود و واکنش آنان نسبت به دین اسلام، روزنه ججای را به شناخت دقیق و عمیق تر آیین یهود در پیش روی ما می نهد. ضرورت این شناخت آنگاه دو چندان می شود که دین اسلام در مواجهه آشکار با پدیده صهیونیسم- که تازنده و پُر کنش بر حقیقت، لاف سلطنت می زند- قرار گرفته است.

آنچه در این مواجهه مهم است، اشراف و آگاهی بر تاریخ پُر ماجرا و با سابقه یهود و به ویژه آشنایی با متن کتاب مقدس عهد قدیم است. با همین متن مقدس موجود نیز می توان محاجه ها کرد و استنادات محکمی بر آداب، عقیده و رفتارشان به دست آورد.

دانائیم به اینکه دینداری و دین ورزی تا واپسین روز از تاریخ در میان مردم جاری است و تنها در قیامت است که خداوند میان بندگان در خصوص اختلافاتشان داوری خواهد کرد:

«و به راستی پروردگارت روز رستخیز در آنچه یهودیان در آن اختلاف می ورزند، میانشان داوری خواهد کرد. (نحل/۱۲۴)»

منابع

- ۱- قرآن کریم (ترجمه دکتر سید علی موسوی گرمارودی).
- ۲- مقدس (ترجمه انجمن سلطنتی انگلیس).
- ۳- طباطبائی، سید محمدحسین؛ المیزان؛ ج ۱۹ و ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
- ۴- سیوطی، جلال الدین؛ الدرالمشور؛ ج ۱.
- ۵- جماعة من اللاتیین؛ تفسیر الكتاب المقدس؛ ج ۵ و ۱، بیروت: منشورات النفیر، ۱۹۹۰ م.
- ۶- جمع من افاضل الاهوتیین؛ السنن القویم فی تفسیر اسفار العهد القدیم؛ ج ۳، بیروت: مجمع الكنائس فی الشرق الاردنی، ۱۹۷۳ م.
- ۷- بارکلی، ولیم؛ تفسیر العهد جدید شرح بشاره یوحنا؛ الجزء الاول، ترجمه به عربی: عزت زکی، قاهره: دارالجیل.
- ۸- اسپینوزا، باروخ؛ مصنف واقعی اسفار خمسہ؛ ترجمه علی رضا آل بویه.





- ۹- حجازی السقا، احمد؛ البشارة بنی الاسلام فی التوراة و الانجیل؛ ۲جلدی، قاهره: دارالبیان، ۱۹۷۷م.
- ۱۰- احمد، ابراهیم خلیل؛ محمد فی التوراة و الانجیل و القرآن؛ قاهره: دارالمنار، ۱۹۸۹م.
- ۱۱- داوود، عبدالاحد؛ محمد کما ورد فی کتاب اليهود و النصارى (ترجمه فضل الله نیک بین، نشر نو، ۱۳۶۱ش.
- ۱۲- محمد رسول الله فی کتابات القديس یوحنا، مكتبة اسد، امیریکن - دمشق: ۱۹۹۹م.
- ۱۳- صادقی، محمد؛ بشارات عهدین؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۴- همدانی، محمد باقر؛ بشارات.
- ۱۵- سبحانی، جعفر؛ احمد موعود انجیل؛ انتشارات توحید، ۱۳۶۱ش.
- ۱۶- ادلر، جان؛ باستان شناسی کتاب مقدس؛ ترجمه سهیل آذری، انتشارات نور جهان، ۱۳۳۵ش.
- ۱۷- میلر، و.م؛ تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ترجمه ی علی نخستین، چ ۲، انتشارات حیات ابدی، ۱۹۸۱م.
- ۱۸- کرینستون، جولیس؛ انتظار مسیحا در آیین یهود؛ ترجمه حسین توفیقی، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷ش.
- ۱۹- میشل، توماس؛ کلام مسیحی؛ ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷ش.
- ۲۰- ناس، جان بایر؛ تاریخ جامع ادیان؛ ترجمه علی اصغر حکمت، چ ۱۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ش.
- ۲۱- ا. هیوم، رابرت؛ ادیان زنده جهان؛ ترجمه دکتر عبد الرحیم گواهی، چ ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
- ۲۲- فصل نامه هفت آسمان، ش ۱۳-۱۲.